

تأثیر اصلاحات پیشنهادی حسابرسان بر کیفیت سود

آرش تحریری*، معصومه صابرماهانی**

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۷/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۲۷

چکیده

هدف اصلی این تحقیق، بررسی تأثیر اصلاحات پیشنهادی حسابرسان بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. نمونه آماری این تحقیق پس از اعمال برخی محدودیت‌های موجود در این پژوهش، شامل ۱۶۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ می‌باشد. برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون تی زوجی استفاده شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، تفاوت معناداری بین سود حسابرسان نشده و سود حسابرسان شده از لحاظ هموار بودن و پایداری، وجود ندارد. علاوه بر این، شواهد نشان داد که اقلام تعهدی حسابرسان شده دارای کیفیت بالاتری نسبت به اقلام تعهدی حسابرسان نشده، می‌باشند. به علاوه، نتایج این پژوهش نشان داد که میزان اقلام تعهدی که قبل از انجام حسابرسان مثبت و بعد از انجام حسابرسان تغییر علامت داده‌اند و تبدیل به اقلام تعهدی منفی شده‌اند، بیشتر از میزان اقلام تعهدی است که قبل از انجام حسابرسان منفی و بعد از انجام حسابرسان مثبت شده‌اند. طبق نتایج این پژوهش، بین مبلغ اقلام تعهدی منفی در صورت‌های مالی حسابرسان شده و صورت‌های مالی حسابرسان نشده، تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین یافته‌های این پژوهش نشان داد که مبلغ اقلام تعهدی مثبت در صورت‌های مالی حسابرسان شده نسبت به صورت‌های مالی حسابرسان نشده، کمتر می‌باشد. در نهایت، نتایج این پژوهش نشان داد که بین میزان عدم پیوستگی در توزیع سود در حدود صفر در زمان قبل از انجام حسابرسان و بعد از انجام حسابرسان تفاوت معناداری وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: اصلاحات پیشنهادی حسابرسان، کیفیت سود، اقلام تعهدی علامت‌دار، سود و زیان‌های اندک (عدم پیوستگی در توزیع سود در حدود صفر).

طبقه‌بندی موضوعی: M41, M42

DOI: 10.22051/jera.2018.17541.1812

*استادیار حسابداری، دانشگاه تهران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، (arashtahriri@ut.ac.ir).

** کارشناس ارشد حسابرسان، دانشگاه تهران، تهران، ایران، (masomesabermahani93@gmail.com).

مقدمه

سود حسابداری می‌تواند به عنوان ابزاری برای بهبود بخشیدن به مشکلات نمایندگی و کاهش هزینه‌های نمایندگی استفاده شود (فرانکل و لیتوو، ۲۰۰۹). حساب‌رسان در طول انجام حسابرسی پایان سال بایستی کیفیت سود شرکت را بهبود بخشند، با این حال مشخص نیست کدام دسته از ویژگی‌های سود که توسط حساب‌رسان در نظر گرفته می‌شود، می‌تواند به عنوان شاخصی برای کیفیت بالای سود استفاده شده باشد و همچنین مشخص نیست که کدام یک از صورت‌های مالی از اهمیت بیشتری برخوردار است و حساب‌رسان باید توجه ویژه‌ای به آن گزارش داشته باشند تا بتوانند کیفیت سود شرکت را بهبود بخشند؛ زیرا در برخی مواقع ممکن است که معیارهای کیفیت سود از دیدگاه حساب‌رسان و سهامداران متفاوت باشد (دفوند و فرانسیس، ۲۰۰۵). بنابراین، در این پژوهش شواهدی ارائه می‌شود که نشان‌دهنده تأثیر حساب‌رسان بر بهبود کیفیت سود شرکت‌ها است. بدین منظور بایستی، کلیه اصلاحاتی که حساب‌رسان در طول حسابرسی پایان سال بر روی سود شرکت‌ها انجام می‌دهند، مورد بررسی قرار گیرد.

در این پژوهش، مشخص می‌شود که درک حساب‌رسان از کیفیت سود با مقایسه‌ی سود قبل از انجام حسابرسی و سود حسابرسی شده، آشکار می‌شود. به عنوان مثال؛ اگر حساب‌رسان پایداری سود را مورد توجه قرار دهند، در این صورت انتظار می‌رود که پایداری سود حسابرسی شده به مراتب بیشتر از پایداری سود حسابرسی نشده باشد (لنوکس و همکاران، ۲۰۱۵). زمانی که حساب‌رسان بر این باور باشند که کیفیت سود حسابرسی نشده با انجام حسابرسی بهبود خواهد یافت، اصلاحاتی را برای سود شرکت صاحبکار اعمال می‌نمایند. بنابراین، می‌توان استدلال کرد که کیفیت سود حسابرسی شده به مراتب بالاتر از کیفیت سود حسابرسی نشده باشد (لنوزو همکاران، ۲۰۰۳؛ باتاچاریا و همکاران، ۲۰۰۳).

پاسخ به این سوال که کدام یک از ویژگی‌های سود در طول حسابرسی پایان سال تغییر می‌کند، بسیار مهم است؛ زیرا در مطالعات پیشین از معیارهای مختلف سود به عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی استفاده شده است (به عنوان مثال؛ اجتناب از گزارش زیان، اقلام تعهدی). اما به طور مستقیم شواهدی وجود ندارد که نشان دهد معیارهای سود در طول حسابرسی پایان سال تغییر یافته است (بامبر و بامبر، ۲۰۰۹). بنابراین، هدف اصلی پژوهش

حاضر این است که آیا معیارهای کیفیت سود (هموار بودن سود، پایداری سود، کیفیت اقلام تعهدی، اقلام تعهدی علامت‌دار، قدرمطلق اقلام تعهدی و سود (زیان) اندک) در طول حسابرسی پایان سال تغییر پیدا کرده است؟ در صورتی که جواب این سوال منفی باشد، کیفیت سود نمی‌تواند به عنوان یک شاخص قابل اطمینان برای کیفیت حسابرسی باشد.

مبانی نظری پژوهش

در بین پژوهشگران، اختلاف نظرهای مختلفی در رابطه با چگونگی تفسیر معیارهای کیفیت سود وجود دارد. به عنوان مثال، برخی از پژوهشگران معتقدند که هموار بودن سود می‌تواند به عنوان شاخصی برای مدیریت سود فرصت طلبانه از سوی مدیران در نظر گرفته شود و معیاری برای کیفیت پایین سود باشد (لئوز و همکاران، ۲۰۰۳؛ باتاچاریا و همکاران، ۲۰۰۳)؛ به عبارت دیگر، آن‌ها معتقدند که هموار کردن سود می‌تواند برای ساختگی جلوه دادن اصلاحات دائمی در جریان‌های نقدی به کار گرفته شود. بنابراین پایدار کردن و هموار کردن سود می‌تواند باعث تحریف عملکرد واقعی یک شرکت شود که در این صورت کیفیت سود کاهش پیدا خواهد کرد؛ در حالی که برخی دیگر از پژوهشگران معتقدند که هموار بودن سود به عنوان معیاری برای کیفیت سود بالا مطرح می‌باشد و می‌تواند برای سهامداران مفید واقع شود (تیتمن و ترومن، ۱۹۸۸؛ هند، ۱۹۸۹؛ دمسکی، ۱۹۹۸؛ سانکر و سابرامانیا، ۲۰۰۱؛ تاکر و زاروین، ۲۰۰۶). اصلاحات پیشنهادی حسابرس به خنثی کردن و از بین رفتن هموارسازی‌های فرصت طلبانه مدیران در صورت‌های مالی حسابرسی نشده کمک می‌کند.

برخی از پژوهشگران معتقدند که عدم پیوستگی در تویع سود در حدود صفر به عنوان شاخصی برای مدیریت فرصت طلبانه سود تلقی می‌شود (به عنوان مثال، بورگستالر و دیچو، ۱۹۹۷؛ دگیورگ و همکاران، ۱۹۹۹)؛ در حالی که برخی از محققین دیگر استدلال می‌کنند که در بیشتر مواقع عدم پیوستگی در توزیع سود در حدود صفر در اثر مدیریت فرصت طلبانه سود به وجود نیامده است (دورستچی و ایستون، ۲۰۰۵؛ ایستون و بیور، ۲۰۰۹؛ بیور و همکاران، ۲۰۰۷).

در رابطه با کیفیت اقلام تعهدی نیز می‌توان استدلال کرد که اگر اصلاحات پیشنهادی حسابرس باعث افزایش کیفیت اقلام تعهدی شود، در این صورت، انتظار می‌رود که اقلام

تعهدی حسابرسی شده نسبت به اقلام تعهدی قبل از انجام حسابرسی دارای خطای برآورد کمتر و نوسانات کمتری باشند.

در رابطه با تأثیر اصلاحات پیشنهادی حسابرس بر عدم پیوستگی بر توزیع سود در حدود صفر می‌توان گفت که حتی اگر این ناپیوستگی از طریق مدیریت سود ایجاد شده باشد، اما نمی‌تواند به عنوان یک پراکسی معتبر برای کیفیت حسابرسی باشد. با این حال، فرضی که در بسیاری از مطالعات حسابرسی پذیرفته شده، این است که زمانی که سود به میزان کم باشد به عنوان یک شاخص قابل اطمینان برای کیفیت حسابرسی پایین محسوب می‌شود. دیچو و همکاران (۲۰۰۳) در تحقیق خود، هیچ مدرکی مبنی بر اینکه شرکت‌ها از اقلام تعهدی به منظور نشان دادن سود در اطراف صفر استفاده می‌کنند، نیافتند.

دور ستچی و ایستون (۲۰۰۵) استدلال می‌کنند که عدم پیوستگی در توزیع سود در حدود صفر، از طریق مسائل مربوط به نمونه و روش‌های آماری آن، برای مقیاس‌بندی و اندازه‌گیری آن از طریق قیمت توضیح داده می‌شود. همچنین، بیور و همکاران (۲۰۰۷) استدلال می‌کنند که عدم پیوستگی در توزیع سود، تا حدودی از طریق روش‌های مالیاتی نامتقارن از سود و زیان توضیح داده می‌شوند. همچنین توماس و همکاران (۲۰۱۵) دریافتند که در برخی مواقع، سود و زیان‌های اندک در اثر انتخاب طرح‌های پژوهشی خاص به وجود می‌آیند.

در صورتی که گسستگی در توزیع سود در حدود صفر از طریق مدیریت سود فرصت طلبانه ایجاد نشود، انتظار نمی‌رود که اصلاحات پیشنهادی حسابرس تأثیری بر روی اندازه این گسستگی‌ها داشته باشد. از سوی دیگر، در صورتی که ناپیوستگی در توزیع سود به واسطه مدیریت سود ایجاد شده باشد و یا اگر حسابرس یک سری اصلاحات را برای کاهش مدیریت سود نیاز داشته باشد، در این صورت، انتظار می‌رود که گسستگی موجود در توزیع سود حسابرسی شده نسبت به توزیع سود حسابرسی نشده کوچک‌تر باشد.

پیشینه پژوهش

پالمرس و چولز (۲۰۰۴) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین کیفیت سود و تعدیلات سنواتی برای شرکت‌های چینی به این نتیجه رسیدند که افزایش در تجدیدارائه‌ها و اصلاح اشتباهات از سوی حسابرسان باعث بهبود شفافیت و اعتماد سرمایه‌گذاران شده است. ایستون و

بیور (۲۰۰۵) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که در هر کار حسابرسان، اصلاحات کاهنده سود، بیشتر از اصلاحات فزاینده سود به کار می‌روند و این موضوع در تطابق با این مسئله است که حسابرسان دارای یک اثر محافظه‌کارانه بر روی سودها می‌باشند. بنابراین سود حسابرسان شده، جریان‌های نقدی اساسی شرکت را بهتر منعکس می‌کند. کوین (۲۰۰۸) در پژوهشی به بررسی پایداری سود شرکت‌های تجدید ارائه‌کننده‌ی صورت‌های مالی پرداخت و نشان داد که ۱) سودهای تجدید ارائه شده دارای پایداری بیشتری نسبت به سودهای گزارش شده‌ی اولیه هستند؛ ۲) ارائه‌ی مجدد دارای یک اثر معنادار بر پایداری سود می‌باشد؛ و ۳) تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی یک اثر پایدار بر کیفیت سود شرکت‌های تجدید ارائه‌کننده دارد.

لاسگارتن و شوون (۲۰۱۲) به بررسی رابطه بین اقلام تعهدی اختیاری افزایش‌دهنده سود (اقلام تعهدی مثبت) و کاهنده سود (اقلام تعهدی منفی) با تغییر حسابرسان پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها حاکی از این است که هم اقلام تعهدی اختیاری مثبت و هم اقلام تعهدی اختیاری منفی باعث تغییر حسابرسان و کاهش دوره تصدی حسابرسان شرکت‌ها می‌شوند و زیاد بودن این دو گونه از اقلام تعهدی، کاهش کیفیت حسابرسانی را به دنبال دارد. لنوکس و همکاران (۲۰۱۵) به انجام پژوهشی با عنوان اثر اصلاحات پیشنهادی حسابرسان بر کیفیت سود پرداختند. نتایج به دست آمده در این پژوهش، چهار نتیجه‌ی کلیدی را به دنبال داشته است. اول اینکه، اصلاحات پیشنهادی حسابرسان باعث می‌شود که میزان هموار بودن و پایداری سود افزایش یابد. دوم اینکه، این اصلاحات، منجر می‌شود تا کیفیت اقلام تعهدی افزایش یابد. سوم اینکه، اصلاحات پیشنهادی حسابرسان اثر منفی بیشتری بر اقلام تعهدی علامت‌دار نسبت به قدرمطلق اقلام تعهدی دارد و چهارم اینکه، اصلاحات انجام شده توسط حسابرسان، تأثیر معناداری بر میزان عدم پیوستگی در توزیع سود در حدود صفر (سود و زیان‌های اندک) ندارد. توماس و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای با عنوان "راه‌های کشف و اصلاح ناپیوستگی در توزیع سود در حدود صفر" به بررسی شواهدی پرداختند که بتوانند این ناپیوستگی در توزیع سود را از بین ببرند. نتایج آن‌ها حاکی از این امر است که ناپیوستگی در توزیع سود در حدود صفر پس از اجرای قانون سابانز آکسلی کاهش چشمگیری داشته است. همچنین آن‌ها بیان کردند که در بعضی مواقع ممکن است این ناپیوستگی در توزیع سود، هیچگونه ارتباطی با مدیریت سود

نداشته باشد و از آن نشات گرفته نشده باشد؛ چرا که در برخی مواقع سود و زیان‌های اندک در اثر انتخاب طرح‌های پژوهشی خاص به وجود می‌آیند.

تامارا و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان تأثیر فشار زمانی بر کیفیت سود: بررسی موارد تسریع شده (تحت فشار) " به بررسی ارتباط بین فشار زمانی وارد شده بر حسابرس و کیفیت سود پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که اعمال فشار زمانی بر حسابرسان می‌تواند تأثیر منفی بر کیفیت سود داشته باشد که فشار زمانی می‌تواند به عنوان یک معیار برای کیفیت حسابرسی پایین مطرح باشد. ماساهیرو و تومویاسو (۲۰۱۷) به بررسی عدم پیوستگی در توزیع سود در حدود صفر و تغییرات سود پس از اجرای قانون JO-SOX پرداختند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که عدم پیوستگی در توزیع سود در حدود صفر پس از اجرای این قانون به طور کامل از بین نرفته است اما کاهش اندکی داشته است. این امر نشان می‌دهد که مدیریت سود بیشتر در جهت دستکاری رو به پایین سود شایع‌تر است که پس از اجرای قانون JO-SOX سودهای اندکی، افزایش کمی داشته است.

حساس یگانه و مداحی (۱۳۸۸) مطالعه‌ای با عنوان اثربخشی فرآیند حسابرسی در کشف اشتباهات و تحریف‌های با اهمیت در صورت‌های مالی را انجام دادند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که فرآیند حسابرسی در کشف اشتباهات و تحریف‌های با اهمیت در برآوردهای حسابداری و همچنین کشف اشتباهات و تحریف‌های با اهمیت ناشی از عدم رعایت قوانین و مقررات توسط واحد مورد رسیدگی اثربخش می‌باشد. همچنین، تفاوت معناداری بین مبالغ اشتباهات و تحریف‌های موجود در صورت‌های مالی و مبالغ کشف شده توسط حسابرس وجود دارد. آقایی و همکاران (۱۳۹۲)، مطالعه‌ای را با عنوان تجدید آرائه‌ی اجباری یا اختیاری صورت‌های مالی و تأثیر آن بر کیفیت سود قبل و بعد از تجدید آرائه را انجام دادند. آن‌ها در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که اصلاحات پیشنهادی حسابرس مستقل باعث می‌شود تا کیفیت اقلام تعهدی در زمان بعد از انجام حسابرسی افزایش یابد.

خواجویی و همکاران (۱۳۹۳) به انجام مطالعه‌ای با عنوان بررسی رابطه‌ی کیفیت سود و تعدیلات سنواتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را انجام دادند. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش حاکی از آن است که بین معیارهای کیفیت سود و میزان تعدیلات سنواتی رابطه‌ی منفی و معناداری وجود دارد. در پژوهشی بهارمقدم و

قائده‌ها (۱۳۹۴) به بررسی رابطه بین اقلام تعهدی اختیاری و تغییر حسابرِس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بین اقلام تعهدی اختیاری مثبت و تغییر حسابرِس، رابطه‌ی معناداری وجود ندارد ولی بین اقلام تعهدی اختیاری منفی و تغییر حسابرِس رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

با توجه به مبانی نظری ارائه شده و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر ارائه گردیده است:

فرضیه اول: تفاوت معناداری بین سود حسابرِس نشده و سود حسابرِس شده از لحاظ هموار بودن، وجود ندارد.

فرضیه دوم: تفاوت معناداری بین سود حسابرِس نشده و سود حسابرِس شده از لحاظ پایداری، وجود ندارد.

فرضیه سوم: اقلام تعهدی حسابرِس شده دارای کیفیت بالاتری نسبت به اقلام تعهدی حسابرِس نشده هستند.

فرضیه چهارم: میزان اقلام تعهدی که قبل از انجام حسابرِس مثبت و بعد از انجام حسابرِس تغییر علامت داده‌اند و تبدیل به اقلام تعهدی منفی شده‌اند، بیشتر از میزان اقلام تعهدی است که قبل از انجام حسابرِس منفی و بعد از انجام حسابرِس مثبت شده‌اند.

فرضیه پنجم: تفاوت معناداری، بین مبلغ اقلام تعهدی منفی در صورت‌های مالی حسابرِس شده و صورت‌های مالی حسابرِس نشده، وجود ندارد.

فرضیه ششم: مبلغ اقلام تعهدی مثبت در صورت‌های مالی حسابرِس شده نسبت به صورت‌های مالی حسابرِس نشده، کمتر می‌باشد.

فرضیه هفتم: بین میزان عدم پیوستگی در توزیع سود در حدود صفر در زمان قبل از انجام حسابرِس و بعد از انجام حسابرِس تفاوت معناداری وجود ندارد.

روش پژوهش

این تحقیق مبتنی بر اطلاعات واقعی مرتبط با صورت‌های مالی حسابرسان شده و حسابرسان نشده شرکت‌ها می‌باشد که بر اساس الزام استانداردهای حسابداری ایران، شرکت‌ها موظف به ارائه این اطلاعات به استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی می‌باشند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های کمی و آزمون فرضیه‌های تحقیق از "آزمون t-test" استفاده شده است. به منظور انجام پژوهش، داده‌های کمی مورد نیاز از صورت‌های مالی حسابرسان شده و حسابرسان نشده شرکت‌ها و سایر گزارش‌های مالی آن‌ها (برگرفته از سایت کدال) استخراج شده است. داده‌ها پس از جمع‌آوری در صفحه گسترده اکسل، مرتب و طبقه‌بندی شده و در نهایت با استفاده از نرم‌افزارهای آماری (Eviews 9 و SPSS 18) مورد تجزیه و تحلیل گرفته‌اند.

نمونه آماری پژوهش

نمونه آماری شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ است و شرایط زیر را دارا می‌باشند:

۱. تاریخ پذیرش آن‌ها در بورس قبل از سال ۱۳۸۸ باشد و تا پایان سال ۱۳۹۵ نیز در فهرست بورس اوراق بهادار تهران باشند.
 ۲. در دوره مورد نظر تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداده باشند.
 ۳. داده‌های مورد نظر این پژوهش برای آن‌ها در دسترس باشد.
 ۴. جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گران مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ‌ها) نباشند.
 ۵. به منظور افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
- پس اعمال محدودیت‌های فوق، تعداد ۱۶۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تا پایان سال ۱۳۹۵ به عنوان نمونه آماری انتخاب گردیده است.

متغیرهای اصلی تحقیق و نحوه سنجش آن‌ها

هموارسازی سود:

برای اندازه‌گیری هموارسازی سود در این پژوهش، از تغییر سالانه سودآوری طبق مدل دچو و همکاران (۲۰۱۰) استفاده شده است و تغییر سالانه در سودآوری در بازه زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ مورد بررسی قرار گرفته است. بدین منظور ابتدا نرخ سودآوری شرکت‌ها در زمان قبل از انجام حسابرسی و بعد از انجام حسابرسی به شرح زیر محاسبه شده است:

$$\text{Pre_ROA}_{it} = \text{بازده دارایی‌ها قبل از انجام حسابرسی (Pre_E}_{it}/\text{Pre_TA}_{it})$$

$$\text{Post_ROA}_{it} = \text{بازده دارایی‌ها بعد از انجام حسابرسی (Post_E}_{it}/\text{Post_TA}_{it})$$

که در آن:

Pre_E_{it} : سود حسابرسی نشده

Post_E_{it} : سود حسابرسی شده

Pre_TA_{it} : دارایی‌های حسابرسی نشده

Post_TA_{it} : دارایی‌های حسابرسی شده

بنابراین قدر مطلق تغییر در سودآوری قبل از انجام حسابرسی ($|\Delta \text{Pre_ROA}_{it}|$) با قدر مطلق تغییر در سودآوری بعد از انجام حسابرسی ($|\Delta \text{Post_ROA}_{it}|$) برای هر سال - شرکت (۱۳۸۹-۱۳۹۵) با یکدیگر مقایسه شده‌اند.

علاوه بر این، طبق مدل دچو و همکاران (۲۰۱۰) این متغیرها بر اساس تغییر سالانه در جریان‌های نقدی ناشی از عملیات همگن شده‌اند که در آن:

$$\text{Pre_CFO}_{it} = \text{جریان‌های نقدی ناشی از عملیات که بر اساس مجموع دارایی‌ها قبل از}$$

انجام حسابرسی همگن شده است ($\text{CFO}_{it}/\text{Pre_TA}_{it}$)

$$\text{Post_CFO}_{it} = \text{جریان‌های نقدی ناشی از عملیات که بر اساس مجموع دارایی‌ها بعد از}$$

انجام حسابرسی همگن شده است ($\text{CFO}_{it}/\text{Post_TA}_{it}$)

بدین ترتیب متغیرهای مربوط به قبل از انجام حسابرسی $|\Delta \text{Pre_ROA}| / |\Delta \text{Pre_CFO}|$ با متغیرهای بعد از انجام حسابرسی $|\Delta \text{Post_ROA}| / |\Delta \text{Post_CFO}|$ برای هر سال-شرکت (۱۳۸۹-۱۳۹۵) با یکدیگر مقایسه شده‌اند

پایداری سود:

در این پژوهش، اندازه‌گیری پایداری سود حسابرسی شده و حسابرسی نشده بر اساس مدل فریمن (۱۹۸۲) انجام شده است:

$$\text{Pre-ROA}_{it+1} = a_0 + a_1 \text{Pre-ROA}_{it} + e_{\text{PRE},it} \quad \text{رابطه (۱)}$$

$$\text{Post-ROA}_{it+1} = b_0 + b_1 \text{Post-ROA}_{it} + e_{\text{POST},it} \quad \text{رابطه (۲)}$$

دو مدل بالا، در بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ برای آن دسته از شرکت‌هایی که حداقل اطلاعات مربوط به ۵ سال-شرکت را دارا می‌باشند، به طور جداگانه برای قبل و بعد از انجام حسابرسی برای هر شرکت برآورد شده تا ضرایب تداوم α_1 و b_1 برای هر شرکت به طور جداگانه بدست آید.

کیفیت اقلام تعهدی:

در این پژوهش، برای اندازه‌گیری کیفیت اقلام تعهدی از مدل دیچو و دیچاو^{۲۴} (۲۰۰۲) برای دوره‌ی زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ به شرح زیر، استفاده شده است:

رابطه (۳)

$$\text{Pre-Accruals}_{it} = a_0 + a_1 \text{Pre-CFO}_{it-1} + a_2 \text{Pre-CFO}_{it} + a_3 \text{Pre-CFO}_{it+1} + u_{\text{PRE},it}$$

رابطه (۴)

$$\text{Post-Accruals}_{it} = b_0 + b_1 \text{Post-CFO}_{it-1} + b_2 \text{Post-CFO}_{it} + b_3 \text{Post-CFO}_{it+1} + u_{\text{POST},it}$$

که در آن:

Pre- Accruals_{it}: اقلام تعهدی قبل از انجام حسابرسی؛ که اقلام تعهدی برابر است با سود خالص منهای خالص جریان وجوه نقد عملیاتی شرکت.

Post- Accruals_{it}: اقلام تعهدی حسابرسی شده

Pre- CFO_{it}: جریان وجوه نقد عملیاتی قبل از انجام حسابرسی برای سال جاری

Pre- CFO_{it+1}: جریان وجوه نقد عملیاتی قبل از انجام حسابرسی برای سال بعد

Pre- CFO_{it-1}: جریان وجوه نقد عملیاتی قبل از انجام حسابرسی برای سال قبل

Post- CFO_{it}: جریان وجوه نقد عملیاتی حسابرسی شده برای سال جاری

Post- CFO_{it+1}: جریان وجوه نقد عملیاتی حسابرسی شده برای سال بعد

Post- CFO_{it-1}: جریان وجوه نقد عملیاتی حسابرسی شده برای سال قبل

U_{PRE, it}: خطای برآورد اقلام تعهدی قبل از انجام حسابرسی

U_{POST, it}: خطای برآورد اقلام تعهدی قبل از انجام حسابرسی

در دو مدل فوق، قدرمطلق باقیمانده‌های رگرسیون، نشانگر کیفیت اقلام تعهدی می‌باشند.

اقلام تعهدی علامت‌دار و قدر مطلق اقلام تعهدی

برای اندازه‌گیری اقلام تعهدی اختیاری (اقلام تعهدی علامت‌دار و قدر مطلق اقلام تعهدی) از مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) که توسط دچو و همکاران (۱۹۹۵) ارائه شده، به شرح زیر استفاده شده است:

رابطه (۵)

$$\frac{TA_{it}}{A_{i(t-1)}} = a_0 + \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{i(t-1)}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{A_{i(t-1)}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{i(t-1)}} \right) + \varepsilon_{it}$$

که در آن:

TA_{it}: معرف مجموع اقلام تعهدی است که برابر است با خالص جریان وجوه نقد عملیاتی پس از کسر سود خالص.

$A_{i(t-1)}$: مجموع دارایی‌های شرکت در سال قبل،

ΔREV_{it} : تفاوت فروش سال جاری نسبت به سال قبل،

ΔREC_{it} : تغییر در خالص حساب‌های دریافتی سال جاری نسبت به سال قبل؛

PPE_{it} : اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات ناخالص و

ε_{it} : خطای برآورد و α_1 ، α_2 و α_3 پارامترهای خاص شرکت است.

پس از تخمین پارامترهای الگوی شماره (۵) و برآورد ضرایب α_1 ، α_2 و α_3 برای هر سال-صنعت، اقلام تعهدی غیراختیاری (NDA) برای سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ به شرح زیر محاسبه گردیده‌اند:

رابطه (۶)

$$NDA_{it} = a_0 + \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{i(t-1)}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{A_{i(t-1)}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{i(t-1)}} \right)$$

در مرحله آخر اقلام تعهدی اختیاری (DA_{it}) به شرح زیر محاسبه شده است:

$$DA_{it} = \frac{TA_{it}}{A_{i(t-1)}} - NDA_{it} \quad \text{رابطه (۷)}$$

روش آزمون فرضیه‌های پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های این پژوهش از آزمون t-test استفاده شده است. در مواقعی که عاملی مشخص (در این پژوهش اصلاحات پیشنهادی حسابرسان می‌باشد)، جامعه مورد نظر پژوهشگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و پژوهشگر قصد دارد که میانگین جامعه را در زمان قبل از اعمال این اثر و بعد از اعمال آن با یکدیگر مقایسه کند، بایستی از این آزمون استفاده شود.

آزمون فرضیه اول و دوم

برای آزمون فرضیه اول، از دو روش استفاده شده است. در حالت اول، قدر مطلق تغییر سالانه در سودآوری برای قبل و بعد از انجام حسابرسی و در حالت دوم، قدر مطلق تغییر سالانه در سودآوری (بر حسب تغییر سالانه در جریان وجوه نقد همگن شده است)، برای قبل و بعد از انجام حسابرسی، با یکدیگر مقایسه شده‌اند.

برای آزمون فرضیه دوم، بعد از اینکه مدل‌های رگرسیونی بیان شده (رابطه (۲) و (۳)) در سطح هر شرکت به طور جداگانه برای قبل از حسابرسی و بعد از حسابرسی برآورد شدند، ضرایب تداوم (a_1 و b_1) با یکدیگر مقایسه می‌شوند و اگر انتظار رود که سود حسابرسی شده نسبت به سود حسابرسی شده، پایداری بیشتری داشته باشد، بایستی $b_1 > a_1$ باشد.

آزمون فرضیه سوم

در این فرضیه، باقیمانده‌های مدل ($U_{PRE, it}$, $U_{POST, it}$) نشان‌دهنده خطاهای برآورد در اقلام تعهدی قبل از حسابرسی و بعد از حسابرسی می‌باشد و هر چه مقدار آن‌ها بیشتر باشد بدین معنی است که کیفیت اقلام تعهدی پایین‌تر است. اگر اصلاحات پیشنهادی حسابرس باعث افزایش کیفیت اقلام تعهدی شود، انتظار می‌رود که اقلام تعهدی حسابرسی شده نسبت به اقلام تعهدی قبل از انجام حسابرسی دارای باقیمانده کوچک‌تر و نوسانات کمتری باشند:

$$|U_{POST, it}| < |U_{PRE, it}|$$

آزمون فرضیه‌های چهارم، پنجم و ششم

در فرضیه چهارم، پس از برآورد ضرایب مدل رگرسیونی (آلفا ۱، آلفا ۲ و آلفا ۳) جونز تعدیل شده برای هر سال - صنعت، می‌توان جز خطا را به عنوان معیار اندازه‌گیری اقلام تعهدی اختیاری، هم برای اقلام حسابرسی شده و هم حسابرسی نشده به کار برد. در این فرضیه، هم اقلام تعهدی مثبت و هم اقلام تعهدی منفی را در نظر گرفته شده‌اند و با مقایسه‌ی میانگین آن‌ها برای قبل و بعد از حسابرسی، نسبت به چگونگی تغییر علامت اقلام تعهدی بعد از انجام حسابرسی نتیجه‌گیری شده است.

در فرضیه پنجم، برای ایجاد تمایز بین این آزمون و آزمون تغییر علامت در فرضیه چهارم، بایستی نمونه مورد بررسی، به مشاهداتی محدود شود که در آن‌ها، خالص اقلام تعهدی قبل از انجام حسابرسی و بعد از انجام حسابرسی هر دو منفی باشند. بنابراین این فرضیه، تنها اقلام تعهدی منفی را در بر می‌گیرد.

در نهایت در فرضیه پنجم، نمونه مورد بررسی، به مشاهداتی محدود شده است که خالص اقلام تعهدی حسابرسی شده و حسابرسی نشده هر دو مثبت باشند. بنابراین این فرضیه، تنها اقلام تعهدی مثبت را در بر می‌گیرد.

آزمون فرضیه هفتم

برای آزمون این فرضیه، ابتدا کلیه شرکت‌هایی که نرخ بازدهی داراییشان (نسبت سود خالص به مجموع دارایی‌ها) در بازه‌ی ۰/۲ و ۰/۲- می‌باشد، مشخص شده و سپس میزان آن‌ها در دوره‌ی قبل از انجام حسابرسی و بعد از انجام حسابرسی با یکدیگر مقایسه شده‌اند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

آزمون فرضیه‌های پژوهش

به منظور آزمون فرضیه اول، از دو روش استفاده شده است. نتایج حاصل از روش اول (استفاده از قدر مطلق تغییرات نرخ بازده دارایی‌ها) در نگاره (۱) ارائه شده است. بر اساس این روش، با توجه به نتایج حاصل از آزمون آماری T و سطح معناداری بالاتر از ۵ درصد، بدین ترتیب در سطح اطمینان ۹۵٪، دلیلی برای رد فرضیه اول وجود ندارد.

نگاره (۱): آزمون زوجی برای بررسی تفاوت میانگین سود حسابرسی شده و نشده از لحاظ همواربودن سود (روش اول)

متغیر	نوع	میانگین	انحراف استاندارد	تفاوت‌های میانگین زوج	t	سطح معناداری
هموارسازی سود	حسابرسی نشده	۰/۰۶۵۲	۰/۰۹۹۱	-۰/۰۰۰۹۳	-۰/۳۶۲	۰/۷۱۷
	حسابرسی شده	۰/۰۶۶۱	۰/۰۸۶۲			

منبع: یافته‌های پژوهش

در روش دوم (استفاده از نسبت قدر مطلق تغییر سالانه‌ی نرخ بازده دارایی‌ها به نسبت قدر مطلق تغییر سالانه‌ی جریان وجوه نقد عملیاتی به دارایی‌ها) در نگاره (۲)؛ نیز با توجه به نتایج حاصل از آزمون آماری T در سطح اطمینان ۹۵٪، فرضیه اول نیز رد نمی‌شود. لذا نمی‌توان استدلال کرد که تفاوت معناداری بین سود حسابرسی شده و سود حسابرسی نشده از لحاظ هموار بودن وجود دارد.

نگاره (۲): آزمون t زوجی برای بررسی تفاوت میانگین سود حسابرسی شده و نشده از لحاظ همواربودن سود (روش دوم)

متغیر	نوع	میانگین	انحراف استاندارد	تفاوت‌های میانگین زوج	t	سطح معناداری
هموارسازی سود	حسابرسی نشده	۳/۷۲۹۵	۱۹/۶۰۷۵	-۰/۷۰۱۱	-۰/۶۰۶	۰/۵۴۴
	حسابرسی شده	۴/۴۳۰۶	۲۷/۲۷۵۸			

منبع: یافته‌های پژوهش

بنابراین نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول در هر دو حالت، نشان داد که سود قبل از حسابرسی هموارتر از سود حسابرسی شده می‌باشد اما این تفاوت معنادار نیست. بنابراین می‌توان گفت که نتایج حاصل از دو روش برای آزمون فرضیه اول با یکدیگر همسو می‌باشند. با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم، در سطح اطمینان ۹۵٪، فرضیه مذکور رد نمی‌شود. به عبارت دیگر، تفاوت معناداری بین سود حسابرسی نشده و سود حسابرسی شده از لحاظ پایداری سود وجود ندارد. تفاوت میانگین دو جامعه برابر با ۰/۰۰۱۶۴ می‌باشد. انحراف معیار پایداری سود حسابرسی نشده و شده به ترتیب ۰/۵۱۴۶ و ۰/۵۵۶۶ است که مبین این موضوع است که نوسانات ضریب پایداری سود حسابرسی شده بیشتر از سود حسابرسی نشده است. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه در نگاره (۳) آورده شده است.

نگاره (۳): آزمون t زوجی برای بررسی تفاوت تفاوت میانگین سود حسابرسی شده و نشده از لحاظ پایداری سود

متغیر	نوع	میانگین	انحراف استاندارد	تفاوت‌های میانگین زوج	t	سطح معناداری
پایداری سود	حسابرسی نشده	۰/۳۲۹۴	۰/۵۱۴۶	۰/۰۰۱۶۴	۰/۲۰۵	۰/۸۳۸
	حسابرسی شده	۰/۳۲۷۸	۰/۵۵۶۶			

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج به دست آمده در نگاره (۴)، فرضیه سوم این پژوهش، در سطح اطمینان ۹۵٪ رد نمی‌شود. میانگین قدر مطلق خطای برآورد ارقام تعهدی حسابرسی نشده ۰/۱۱۰۹ می‌باشد که بعد حسابرسی ۰/۰۸۸۵ شده است و تفاوت آن‌ها معنادار می‌باشد ($p\text{-value} = 0/000$)؛ بدین معنا که میانگین خطای برآورد ارقام تعهدی بعد از انجام حسابرسی کاهش یافته است و به موازات آن، کیفیت ارقام تعهدی بعد از انجام حسابرسی بهبود یافته است. همچنین، انحراف

معیار خطای برآورد اقلام تعهدی حسابرسی نشده ۰/۱۱۸۹ هست که بعد حسابرسی ۰/۰۸۴۵ شده است. این نشان می‌دهد که اصلاحات انجام شده توسط حسابرسان، نوسانات خطای برآورد اقلام تعهدی بعد از انجام حسابرسی را کاهش داده است.

نگاره (۴): آزمون t زوجی برای بررسی تفاوت میانگین خطای برآورد اقلام تعهدی

حسابرسی شده و نشده

متغیر	نوع	میانگین	انحراف استاندارد	تفاوت‌های میانگین زوج	t	سطح معناداری
خطای برآورد اقلام تعهدی	حسابرسی نشده	۰/۱۱۰۹	۰/۱۱۸۹	۰/۰۲۲۴	۵/۶۸۶	۰/۰۰۰
	حسابرسی شده	۰/۰۸۸۵	۰/۰۸۴۵			

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه چهارم در نگاره (۵)، این فرضیه در سطح اطمینان ۰/۹۵ رد نمی‌شود. تفاوت میانگین اقلام تعهدی اختیاری (مثبت و منفی) قبل و بعد از حسابرسی برابر با ۰/۰۱۷۵ می‌باشد که نشان می‌دهد که میانگین اقلام تعهدی اختیاری بعد از انجام حسابرسی به شدت کاهش یافته است و تفاوت آن‌ها معنادار می‌باشد (p-value = 0/015).

نگاره (۵): آزمون t زوجی برای بررسی تفاوت میانگین اقلام تعهدی علامت‌دار حسابرسی

شده و نشده

متغیر	نوع	میانگین	انحراف استاندارد	تفاوت‌های میانگین زوج	t	سطح معناداری
اقلام تعهدی اختیاری	حسابرسی نشده	۰/۰۰۰۴۵	۰/۳۰۳۳	۰/۰۱۷۵	۲/۴۳۵	۰/۰۱۵
	حسابرسی شده	-۰/۰۱۷۱	۰/۳۱۲۵			

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از آزمون فرضیه پنجم در نگاره (۶) ارائه شده است، بر این اساس، با توجه به نتایج حاصل از آزمون آماری T در سطح اطمینان ۰/۹۵، فرضیه پنجم رد نمی‌شود. همانطور که ملاحظه می‌شود، میانگین اقلام تعهدی اختیاری منفی قبل از انجام حسابرسی ۰/۱۴۳۷- و بعد از انجام حسابرسی ۰/۱۴۰۴- می‌باشد.

نگاره (۶): آزمون t زوجی برای بررسی تفاوت میانگین ارقام تعهدی منفی حسابرسی شده و نشده

متغیر	نوع	میانگین	انحراف استاندارد	تفاوت‌های میانگین زوج	t	سطح معناداری
ارقام تعهدی	حسابرسی نشده	-۰/۱۴۳۷	۰/۳۵۹۵	-۰/۰۰۳۳	-۰/۲۷۷	۰/۷۸۲
	حسابرسی شده	-۰/۱۴۰۴	۰/۴۰۳۶			

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه ششم در نگاره (۷) گویای این مطلب است که در سطح اطمینان ۹۵٪، دلیلی برای رد فرضیه وجود ندارد. میانگین ارقام تعهدی اختیاری مثبت قبل انجام حسابرسی ۰/۱۲۹۰ است که بعد حسابرسی به ۰/۰۹۲۹ کاهش یافته است و تفاوت این دو عدد نیز معنادار می‌باشد ($p\text{-value} = 0/000$). این امر نشان می‌دهد که تعدیلات حسابرسی باعث کاهش ارقام تعهدی اختیاری مثبت (افزاینده سود) به دلیل روحیه محافظه کارانه حسابرسان شده است.

نگاره (۷): آزمون t زوجی برای بررسی تفاوت میانگین ارقام تعهدی مثبت حسابرسی شده و نشده

متغیر	نوع	میانگین	انحراف استاندارد	تفاوت‌های میانگین زوج	t	سطح معناداری
ارقام تعهدی	حسابرسی نشده	۰/۱۲۹۰	۰/۱۵۵۳	۰/۰۳۶۱	۴/۳۲۸	۰/۰۰۰
	حسابرسی شده	۰/۰۹۲۹	۰/۱۱۹۱			

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس اطلاعات به دست آمده از آزمون فرضیه هفتم در نگاره (۸)، این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵٪، رد نمی‌شود. به عبارت دیگر، بین میزان عدم پیوستگی در توزیع سود در حدود صفر در زمان قبل از انجام حسابرسی و بعد از انجام حسابرسی تفاوت معناداری وجود ندارد.

تکراه (۸): آزمون زوجی برای بررسی تفاوت میانگین سود و زیان‌های کوچک حسابرسی شده و نشده

متغیر	نوع	میانگین	انحراف استاندارد	تفاوت‌های میانگین زوج	t	سطح معناداری
سود و زیان‌های کوچک (عدم پیوستگی سود در اطراف صفر)	حسابرسی نشده	۰/۰۰۵۱۴	۰/۰۰۰۸۶	-۰/۰۰۰۸۴	-۰/۸۳۸	۰/۴۰۳
	حسابرسی شده	۰/۰۰۵۹۸	۰/۰۰۱۴۰			

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر اصلاحات پیشنهادی حسابرس بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. نتایج حاصل شده در این پژوهش نشان می‌دهد که میانگین قدرمطلق تغییر سالانه سودآوری بعد از انجام حسابرسی با افزایش جزئی همراه بوده است، اما تفاوت آن دو معنادار نمی‌باشد. این افزایش جزئی، مبین هموارتر بودن سود حسابرسی نشده نسبت به سود حسابرسی شده می‌باشد و از آنجایی که مدیران تمایل دارند تا سود خود را هموارتر از واقع نشان دهند، بنابراین با انجام اصلاحات توسط حسابرس، میزان هموار بودن سود کاهش جزئی داشته است. اما زمانی که میانگین قدرمطلق تغییر سالانه سودآوری بر حسب تغییر سالانه در جریان‌های نقدی ناشی از عملیات همگن می‌شود، میزان هموار بودن سود حسابرسی نشده نسبت به سود حسابرسی شده، در مقایسه با حالت قبل بیشتر می‌باشد، اما همچنان معنادار نمی‌باشد. زیرا همانطور که گفته شد، در نتیجه‌ی انجام رسیدگی‌ها و اصلاحات توسط حسابرسان، میزان قدرمطلق تغییر سالانه‌ی سودآوری بعد از انجام حسابرسی اندکی افزایش یافته است اما، قدر مطلق تغییر سالانه‌ی جریان‌های عملیاتی بعد از انجام حسابرسی کاهش چشمگیری داشته است؛ زیرا مدیران تمایل دارند که جریان‌های نقدی خود را بیش از واقع نشان دهند و حسابرسان این مورد را کشف و اصلاح می‌نمایند. به هر حال با توجه به سطح معناداری حاصل شده، نمی‌توان استدلال کرد که تفاوت معناداری بین سود حسابرسی شده و سود حسابرسی نشده از لحاظ هموار بودن وجود

دارد. این در حالی است که لنوکس و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود در کشور چین دریافتند که اصلاحات پیشنهادی حساب‌برسان موجب هموارتر شدن سود خواهد شد.

همچنین میانگین ضرایب پایداری سود حساب‌برسی شده و حساب‌برسی نشده نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین سود حساب‌برسی شده و سود حساب‌برسی نشده از لحاظ پایداری وجود ندارد. این در حالی است که لنوکس و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود در کشور چین دریافتند که اصلاحات پیشنهادی حساب‌برسان موجب پایدار شدن سود خواهد شد. همچنین نتایج حاصل از پژوهش کوین (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که پایداری سودها بعد از حساب‌برسی افزایش خواهد یافت. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ارقام تعهدی حساب‌برسی شده دارای کیفیت بالاتری نسبت به ارقام تعهدی حساب‌برسی نشده، می‌باشند و اصلاحات پیشنهادی حساب‌برسی می‌تواند بر جز خطای مدل کیفیت ارقام تعهدی اثر گذار باشد و میانگین آن را کاهش دهد. بنابراین به نظر می‌رسد که اصلاحات پیشنهادی حساب‌برسی، باعث بهبود کیفیت ارقام تعهدی شود که مطابق با نتایج حاصل شده در پژوهش لنوکس و همکاران (۲۰۱۵) و آقایی و همکاران (۱۳۹۲) می‌باشد

یکی از موارد دیگری که در این پژوهش مورد آزمون قرار گرفت، این است که اصلاحات پیشنهادی حساب‌برسی اثر منفی بیشتری بر ارقام تعهدی علامت‌دار نسبت به قدرمطلق ارقام تعهدی دارند که دلیل آن هم در سه فرضیه بیان شد. اول اینکه، تغییر علامت ارقام تعهدی از مثبت به منفی بیشتر از منفی به مثبت است؛ زیرا در انجام حساب‌برسی، اصلاحات کاهنده سود بسیار شایع‌تر از اصلاحات فزاینده سود می‌باشد و این امر ریشه در روحیه‌ی محافظه‌کارانه حساب‌برسان دارد. دوم اینکه، اصلاحات پیشنهادی حساب‌برسی دارای اثر اندکی بر ارقام تعهدی منفی هستند. بدین ترتیب، در این پژوهش بین ارقام تعهدی منفی قبل از انجام حساب‌برسی و بعد از انجام حساب‌برسی تفاوت معناداری کشف نشد. و سوم اینکه، این اصلاحات، دارای اثر منفی قابل ملاحظه‌ای بر ارقام تعهدی مثبت می‌باشند؛ زیرا حساب‌برسان تأثیر مثبتی زیادی بر ارقام تعهدی مثبت ندارند؛ در مقابل تأثیر منفی زیادی بر ارقام تعهدی مثبت دارند. حساب‌برسان در هنگام برخورد با مدیریت سود رو به بالا (نمایش سود بیشتر از واقع) به دلیل روحیه‌ی محافظه‌کارانه خود ترجیح می‌دهند که ارقام تعهدی مثبت را کاهش دهند و تأثیر چندانی بر ارقام تعهدی منفی ندارند، اما آنان در مواجهه با مدیریت سود رو به پایین (نمایش سود کمتر از واقع) معمولاً

ترجیح می‌دهند که اقلام تعهدی منفی را کاهش دهند و تمایل چندانی به افزایش اقلام تعهدی مثبت دارند (کاهش اقلام تعهدی اختیاری مثبت شایع‌تر از افزایش آن می‌باشد). از آنجایی که شرکت‌های مورد آزمون در این پژوهش، تمایل بیشتری به بیش‌نمایی سود داشته‌اند، لذا اقلام تعهدی مثبت بعد از انجام حسابرسی به شدت کاهش یافته است اما اقلام تعهدی منفی، تغییر معناداری نداشته است. این نتایج مطابق با دستاوردهای پژوهش لنوکس و همکاران (۲۰۱۵) می‌باشد. همچنین، کینی و مارتین (۱۹۹۴) و ایستون و بیور (۲۰۰۵) در پژوهش خود استدلال کردند که در بیشتر مواقع اصلاحات پیشنهادی حسابرسان، موجب کاهش اقلام تعهدی و در نتیجه کاهش سود می‌شود.

در نهایت، نتایج پژوهش نشان داد که اصلاحات پیشنهادی حسابرس دارای اثر معناداری بر عدم پیوستگی در توزیع سود در حدود صفر (سود زیان) اندک نمی‌باشد و همچنین نتایج مویلد آن است که عدم پیوستگی در توزیع سود در حدود صفر، نمی‌تواند به عنوان یک شاخص برای مدیریت سود به شمار رود. در همین راستا، دورستچی و ایستون (۲۰۰۵)، بیور و همکاران (۲۰۰۷)، تو ماس و همکاران (۲۰۱۵) و لنوکس و همکاران (۲۰۱۵) در یافتند که وجود سود (زیان) اندک در شرکت‌ها، می‌تواند در اثر روش‌های مالیاتی نامتقارن یا انتخاب طرح‌های پژوهشی خاص به وجود آمده باشد و هیچ‌گونه ارتباطی با وقوع مدیریت سود در شرکت نداشته باشد. از سوی دیگر، ماسهیرو و تومویاسو (۲۰۱۷) دریافتند که اینگونه سود (زیان)‌های اندک پس از اجرای قانون JO-SOX، کاهش جزئی داشته است. با توجه به نتایج حاصل از این تحقیق و به منظور بهبود کیفیت سود شرکت‌ها و در نتیجه بهبود کیفیت حسابرسی و اطمینان بیشتر سهامداران نسبت به رعایت حقوق خود، به حسابرسان پیشنهاد می‌شود که ضرورت انجام اصلاحات لازم در طول حسابرسی پایان سال را بیش از پیش مورد توجه قرار دهند. همچنین، با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیات چهارم، پنجم و ششم مبنی بر تأثیرگذاری بیشتر اصلاحات پیشنهادی حسابرسان بر اقلام تعهدی علامت‌دار نسبت به قدرمطلق اقلام تعهدی، لذا به مدیران شرکت‌ها توصیه می‌شود که به منظور بهبود کیفیت سود خود و انعکاس بهتر تأثیر اصلاحات پیشنهادی حسابرسان بر میزان اقلام تعهدی، به جای استفاده از قدرمطلق اقلام تعهدی از اقلام تعهدی مثبت و منفی استفاده نمایند.

منابع

- آقایی، محمد علی؛ اعتمادی، حسین؛ رستمی، علی اصغر و زلّقی، حسن. (۱۳۹۲). نقش حسابرسان مستقل در تجدید ارائه اجباری یا اختیاری صورت‌های مالی و تأثیر آن بر کیفیت سود قبل و بعد از تجدید ارائه. *دانش حسابداری*: ۱۳ (۵۰). ۱-۲۰.
- بهارمقدم، مهدی و قائدی‌ها، حمیدرضا. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین اقلام تعهدی اختیاری و تغییر حسابرس. *دانش حسابداری*: ۶ (۲۰). ۱۰۵-۱۲۲.
- حساس‌یگانه، یحیی و مداحی، آزاده. (۱۳۸۸). اثربخشی فرآیند حسابداری در کشف اشتباهات و تحریف‌های بااهمیت در صورت‌های مالی. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*: ۴. ۴۹-۷۶.
- خواجویی، شکرالله؛ قدیریان آرانی، محمدحسین و فتاحی نافچی، حسن. (۱۳۹۳). بررسی رابطه‌ی کیفیت سود و تعدیلات سنواتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری*: ۳. ۱۹-۴۰.
- Aghayi, M. A. , Etemadi, H. , Rostami, A & Zolghi. H. (2013). Mandatory or optional restated financial statements and its impact on earnings quality before and after restatements. *Audit knowledge: 13 (50)*. 1-20, (in Persian).
- Bahar Moghadam, M & Ghuediha, H. (2015). Investigating the relationship between optional accruals and auditor's change. *Accounting Knowledge: 20 (6)*. 105-122 (in Persian).
- Bamber, E. M. , and L. S. Bamber. (2009). Discussion of Mandatory audit partner rotation, audit quality, and market perception: Evidence from Taiwan. *Contemporary Accounting Research: 26 (2)*. 393-402.
- Beaver, W. , McNichols, M & Nelson, K. (2007). An alternative interpretation of the discontinuity in earnings distributions. *Review of Accounting Studies: 12 (4)*. 525-556.
- Bhattacharya, U. , Daouk, H & Welker , M. (2003). The world price of earnings opacity. *The Accounting Review: 78 (3)* , 641-678.
- Burgstahler, D & Dichev, I. (1997). Earnings management to avoid earnings decreases and losses, *Journal of Accounting and Economics: 24 (1)*. 99-126.
- Dechow, P & Dichev, I. (2002). The quality of accruals and earnings: The role of estimation errors. *The Accounting Review (Supplement): 77 (25)*. 35-59.
- Dechow, P. , Ge, W & Schrand, C. (2010). Understanding earnings quality: A review of the proxies, their determinants and their consequences. *Journal of Accounting and Economics: 50 (2-3)*. 344-401.

- Dechow, P. , Richardson, S & Tuna, I. (2003). Why are earnings kinky? An examination of the earnings management explanation. *Review of Accounting Studies*: 8 (2-3). 355-384.
- Dechow, P. M. , Sloan, R. G and Sweeney, A. P. (1995). Detecting earnings management. *The Accounting Review*: 70 (2). 193-225.
- DeFond, M. L & Francis, J. R. (2005). Audit research after Sarbanes-Oxley. *Auditing. A Journal of Practice and Theory*: 24 (s-1). 5-30.
- DeGeorge, F. , Patel, J & Zeckhauser, R. (1999). Earnings management to exceed thresholds. *Journal of Business*: 72 (1). 1-33.
- Demski, J. (1998). Performance measure manipulation. *Contemporary Accounting Research*: 15 (3). 261-285.
- Durtschi, C & Easton, P. (2005). Earnings management? The shapes of the frequency distributions of earnings metrics are not evidence ipso facto. *Journal of Accounting Research*: 43 (4). 557-592.
- Frankel, R & Litov, L. (2009). Earnings persistence. *Journal of Accounting and Economics*: 47 (1-2) ,182-190.
- Hand, J. (1989). Did firms undertake debt-equity swaps for an accounting paper profit or true financial gain?. *The Accounting Review*, 64 (4). 587-623.
- Hasas Yegane, Y & Madahi, A. (2009). The effectiveness of the audit process in detecting material misstatements and errors in the financial statements, *Financial Accounting and Audit Research*: 4, 49-76 (in Persian).
- Johnson, V. , Khurana, I & Reynolds, J. K. (2002). Audit firm tenure and the quality of financial reports. *Contemporary Accounting Research*, 19 (4). 637-660.
- Jones, Jennifer (1991). Earnings Management During Import Relief Investigation. *Journal of Accounting Research*: 29 (2). 193-228.
- Kevin, W. H. (2011). Changes in the Predictive Ability of Earnings around Earnings Restatements. *Review of Accounting and Finance*, 10 (2). 155- 175.
- Khajuyi, S. , Ghadirian, M & Fatahi, H. (2014). Investigating the relationship between earnings quality and age adjustments of companies accepted in Tehran Stock Exchange, *Accounting Reviews*: 3, 19-40 (in Persian).
- Lennox, C. , Wu, X & Zhang, T. (2015). The effect of audit adjustments on earnings quality: Evidence from China. *Journal of Accounting and Economics*: 25 (2). 165-182.
- Leuz, C. , Nanda, D & Wysocki, P. (2003). Earnings management and investor protection: An international comparison. *Journal of financial economics*: 35 (69). 505-527.

- Lustgarten, S & Shon, J. (2012). Do abnormal accruals affect the life expectancy of audit engagements?, *www.springer.com*.
- Masahiro, E & Tomoyasu, Y. (2017). Discontinuities in earnings and earnings change distributions after J-sox implementation: Empirical evidence from Japan. *Journal of Accounting and public policy: 36*, (6). 82-98.
- Palmrose, Z. V & Scholz, S. (2004). The Circumstances and Legal Consequences of non-GAAP Reporting: Evidence from Restatements. *Contemporary Accounting Research: 21* (1). 139-180.
- Sankar, M. R & Subramanyam, K. R. (2001). Reporting discretion and private information communication through earnings. *Journal of Accounting Research, 39* (2), 365–386.
- Tamara, L. A., Keith, L. J., Joseph, F. B & Scott, D. S. (2017). Audit time pressure and earning quality: An examination of accelerated filings. *Accounting, Organizations and society: 55* (8). 50-66.
- Thomas, A., Frank, H & Jeffrey, P. (2015). Evidence that the zero-earnings discontinuity has disappeared. *Journal of Accounting and Economics: 6* (3). 117-132.
- Titmans, S & truman. B. (1986). Information quality and the Valuation of new issues *Journal of Accounting and Economics*, (1986): 8 (2). 159-172.
- Tucker, J & Zarowin, P. (2006). Does income smoothing improve earnings informativeness?. *The Accounting Review, 81* (1). 251–270.

Auditor's Proposed Reforms and Earnings Quality

Arash Tahriri¹, Masoumeh Sabermahani²

Received : 2017/10/08

Approved: 2018/01/17

Abstract

The main purpose of this research is to investigate the effect of auditor's proposed reforms on the earnings quality. The sample consists of 165 firms listed in the Tehran Stock Exchange during the period from 2009 to 2016. Paired t-test is used to test the research hypotheses. According to the findings, there is no significant difference of smoothness and sustainability between unaudited earnings and audited earnings. In addition, evidence shows that audited accruals have a higher quality as compared to unaudited accruals. Moreover, results show that the extent of positive accruals changing into negative ones is more than negative accruals changing into positive ones after auditing. According to the results, there is no significant difference of negative accruals amount between audited and unaudited financial statements. Also, findings show that the positive accruals amount in audited financial statements is less than it in unaudited financial statements. Finally, the results show that there is no significant difference of inconsistency in profit distribution about zero between the time before auditing and after it.

Keyword: Auditor's proposed reforms, Earnings quality, Signed accruals, losses and small profits (Inconsistency in Profit distribution about zero).

Jel clacification: M41, M42

DOI: 10.22051/jera.2018.17541.1812

¹ Asistant Prof in Accounting, Tehran University, Tehran, Iran, corresponding author (arashtahriri@ut.ac.ir)

² MSc of Audiiting, Tehran University, Tehran, Iran, (masomesabermahani93@gmail.com)